

## نوگرهای شعر دهه ی چهل در حال فراموشی

چرا اساتید دانشگاه فقط مجازند از پسامدرن ها بگویند؟

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، فیض شریفی شاعر و نویسنده ایرانی در یادداشتی درباره ی نادیده گرفته شدن عمدی طیفی از شاعران ایرانی چنین نوشت:

چرا استادان دانشگاهی از نصرت رحمانی، فروغ فرخ زاد و سیاوش کسرایی سخن نمی گویند ولی مجازند از پسامدرن ها حرف بزنند؟ ساخت و بافت دانشگاه های ما سنتی است و اگر از شاعران معاصر سخن می گویند باز به همان شیوه و اسلوب سنتی درباره ی نیما، شاملو و امثالهم سخن می گویند.

اینها درباره ی نصرت رحمانی تابویی و فروغ فمینیسیت و کسرایی کمونیست اصلا سخن نمی گویند ولی از لیوتار، مارکز، جویس، اومبرتو اتکو و پسامدرن های وطنی زیاد سخن می گویند و کتاب های کت و کلفت چاپ می کنند.

در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در یکی از وزارت خانه ها حتی مجله ای به نام پسامدرن چاپ می کرده و بسیاری از شاعران و نویسندگان دانشگاهی را به عنوان سانسورچی استخدام می کرد.

این عضو هیئت علمی کانون شعر ایران ادامه داد: به زعم اینها و ظن درست، پسامدرنیسم مخالف فمینیسیت ها و مارکسیست ها هستند چون عمده ی پسامدرن های اروپایی از طبقات سفید پوست اشرافی هستند و بودند که از سبک های پیشامدرن هم استفاده می کردند و با عناصر پسامدرن سبک های مختلف و چهل تکه به وجود می آوردند و متونی می نوشتند که آثار مشهور را به طرزی تمسخرآمیز تقلید می کردند و پیرنگ را پاره پاره می کردند و چند پارگی در داستان ایجاد می کردند و ادبیات عامه پسند را در دایره ی آثار خود قرار می دادند و پاره روایت های پیچیده و ناقص در شعر و داستان به وجود می آوردند.

برخی از پسامدرن ها عمدتاً تعهد و مسئولیت را در طاقچه می گذاشتند و می گفتند به ما چه مربوط است که کنار جوب سر فلان کس را می برند و آدم ها را به تیرک می بندند و اعدام می کنند.

البته در ادبیات اروپا پسامدرن هایی مثل رابرت کوور هم داریم که در برابر دولت های غاصب ایستادگی می کنند و در رگرگه هایی از سطرهایشان، خون در غیرت شان به جوش می آید.

نویسنده ی آثاری نظیر مجموعه ی شعر زمان ما و کیمیای رحمانی افزود: در ایران هم چند نوع پسامدرن داریم، پسامدرن های به تقریب متعهدی که پیرو علی باباچاهی هستند و پسامدرن هایی که تابع رضا براهنی هستند.

پسامدرن های براهنی وار از دهه ی ی شست و هفتاد، در و دروازه ی تعهد و مسئولیت را در ایران تخته کردند. اینها عمدتاً در زمان دولت خاتمی از حکومت جایزه می گرفتند و کتاب های شان در تیراژ بسیار چاپ می شد و از طریق ارشاد اسلامی خریده می شد و به فروش می رسید. چند استاد صادق هم، هم اکنون در ارشاد اسلامی حکم ممیزی گرفته اند و کتاب ها را سلاخی می کنند و بر آنها تحشیه می نویسند و نشانه ها را شناسایی می کنند.

فیض شریفی در پایان گفت: خلاصه ی کلام این است که اینها سهمیه ی واژگانی، سهمیه ی سیاسی، سهمیه ی معیشتی و سهمیه های دیگری می گیرند که ادبیات معترض در ایران پا نگیرد.

اینها اخیراً با رسانه های آن سوی مرز هم با اجازه ی ارشاد و دانشگاه مصاحبه می کنند.

بحث در این باره بسیار است در آینده این خانم ها و آقایان به اصطلاح پسامدرن را بیش تر معرفی می کنیم.

فیض شریفی نوزده ام فروردین ماه ۱۴۰۱